

«یحیی سنوار» ؛ مکتب شهادت و زیست اخلاقی

تهران- ایرنا- جهان بشریت شاهد تجلی فرهنگ مقاومت، ایستادگی، جهاد و شهادت است و «یحیی سنوار» همه این ارزشها و فرهنگها را یک تنه در آخرین پرده از زندگی به نمایش گذاشت، فرماندهای که با زیست اخلاقی در زندگی و شهادت میراث گرانبهایی برای جامعه خود و جهان به یادگار گذاشت.

موضوع اخلاق اگر چه خاستگاه و زادگاهش دین و معنویت است، ولی مساله بسیار مهم و کلیدی اخلاق، امری فرادینی و بین المللی در گستره فرهنگ بشریت است، حتی اقوام و ملت هایی که هیچ دین و فرهنگ دینی متصل به وحی در بین آنها وجود نداشته است. در فرایند زمان و برای همزیستی و بر مدار رعایت اصول وجدانی درونی خودشان؛ یعنی همان خمیر مایه فطرت، گرایشهای اخلاقی داشته اند و حتی به طبیعت و جانوران نیز احترام می گذاشتند و در بهره برداری از طبیعت و شکار حیوانات نیز خودشان را ملزم به رعایت اصول اخلاقی می دانستند.

لذا اخلاق، هنر زیستن، بهره مندی مطلوب و درست از زندگی را به آدمی می دهد ولی اگر چنین زندگی اخلاقی و ارزشمندی میسر نشود، مرگ و شهادت برای حفظ ارزشهای اخلاقی و صیانت از دین، وطن و ناموس بسیار ارزشمندتر از زندگی کردن است.

شهید، باران رحمت الهی است که به زمین خشک جانها، حیات دوباره می بخشد. به همین جهت عشق شهید، عشق حقیقی است. زیرا با نثار جان که بالاترین موهبت الهی است، همراه می باشد. در حقیقت نثار جان و استقبال از شهادت چیزی است که با هیچ چیز دیگری عوض نخواهد شد، مگر عزت و شرافت انسانی که خداوند، جان چنین انسان هایی را خریداری می کند. خداوند در خصوص این افراد که حضرت علی(ع)، مصداق حقیقتی و شأن نزول آیه ۲۰۷ سوره بقره است، می فرماید «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعَبَادِ؛ از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است.»

لذا آدمی بین دو جریان از حیات باید یکی را انتخاب کند. یکی جریان زیست اخلاقی است. یعنی تقریباً تمام بزرگان علم و فلسفه،

دین و فرهنگ و دانشمندان و متفکران جهان، فراغ از هر گونه دین و موضع گیری مسائل سیاسی سلاطین و قدرت های جهانی، در رعایت و صیانت از ارزش های اخلاقی هم نظر و هم عقیده بوده اند؛ هر چند که در فهم مسائل اخلاقی و نظریه پردازی با هم اختلاف نظرانی داشته اند، لذا مساله اخلاق از ارسطو، افلاطون و سقراط حکیم گرفته تا بزرگان دین و فرهنگ، خصوصاً پیامبران و ائمه معصومین(ع) محوری ترین سبک زندگی و سلوک عملی آنها رعایت ارزش های اخلاقی بوده است.

دوم، جریان شهادت و ایثار جان است. بدین معنا که وقتی انسان هایی که شرافت، عزت و کرامت انسانی بسیار بالایی دارند، مشاهده می کنند که حق، مظلوم واقع شده و ظلم و ستم در حال جولان دادن با زورگویی و چپاول است و نیز راهی برای موعظه و نصیحت باقی نمانده، در چنین فرایندی باید اهل مبارزه بود و لازمه ورود به مبارزه و جهاد، آمادگی برای شهادت است.

خارج از این دو جریان، توده انسان ها و جریان های قدرت و ثروت نه کاری به زیست اخلاقی دارند و نه فرهنگ شهادت را می فهمند. در این وضعیت انسان ها اسیر نفسانیات، قدرت و شهوت و گرفتار ثروت و اعتبارات دنیایی می شوند. به همین جهت است که مذب و قتلگاه اخلاق به طور غالب و حاکم، جریان قدرت سیاسی در قدم اول فساد و تباهی بشریت است و در قدم دوم، مستی دنیا، ثروت اندوزی و شهوت مقام پرستی قرار دارد و نفس پرستی و خودخواهی انسان ها نیز در قدم سوم است ولی فرهنگ جهاد و شهادت در نقطه مقابل این سه قدم قرار دارد.

لذا هر چند که در عصر حاضر فرایند قدرت طلبی، ثروت اندوزی و تمایلات بشری رو به گسترش است و جهان مادی گرایی، دنیا طلبی بیشتری را اقتضا می کند که نتیجه آن سوء استفاده از حریم ارزش های اخلاقی و تجاوز، تحریف و سوء استفاده از مظلومیت دیگر ملت ها است.

جهان بشریت شاهد ظهور فرهنگ مقاومت و ایستادگی و جهاد و شهادت است. این که در دنیای معاصر نیز انسان های آزاده اهل مبارزه و جهاد هستند تا جلوی ظلم و ستم و تجاوز و غارتگری ظالمان گرفته شود، ارزش بسیار بالایی دارد. به همین جهت است که مکتب شهادت و فرهنگ ایثارگری در چنین وضعیتی، بسیار کاربردی و نقش آفرین در حفظ هویت یک جامعه است.

البته باید توجه داشت که زادگاه مکتب و فرهنگ شهادت، همان ارزش های اخلاقی و هویت کرامت ذاتی انسان ها است. لذا ساختار نظام اخلاقی

چه در بُعد فردی و چه در بعد اجتماعی با اخلاص، تواضع، خداپرستی، شرافت و کرامت انسانی باید قرین باشد ولی جهان امروز که دنیایی پر از ریا، فریب و نیرنگ، دروغ و تکبر، مادی پرستی و نفس پرستی و حقارت و فرومایگی شده است، باید در چنین دنیایی، فرهنگ ایثار و مقاومت را به مردم آموخت و باید راه کارهای مبارزه با ظلم و ستم یا فساد و تباهی را آموزش داد. لذا یا باید اهل جهاد در میدان رزم بود و جان نثاری کرد یا در عرصه جهاد فرهنگی ورود کرد. البته همانطور که در جهان فضای مجازی و گستره شبکه های اجتماعی برخی از مسائل اخلاقی مطرح و ترویج می شود، جریان ابتذال اخلاقی و فساد و فحشا نیز بیداد می کند.

به گزارش ایرنا، پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۳ رژیم صهیونیستی با صدور بیانیه ای اعلام کرد که یحیی سنوار رییس دفتر سیاسی حماس را در جریان بمباران منطقه ای در غزه، به شهادت رسانده است.

یحیی سنوار، (متولد ۱۹۶۲، در اردوگاه خان یونس) مجاهد، مبارز، نویسنده، رمان نویس و مترجم فلسطینی طی ۲۲ سال اسارت در زندان های رژیم صهیونیستی، رمان خار و میخک را به زبان عبری (منتشر شده به سال ۲۰۰۴) رمان شکوه (منتشر شده در سال ۲۰۱۰) را نوشت و پنج کتاب را از عبری و انگلیسی به عربی ترجمه کرد.

او که فارغ التحصیل دانشگاه اسلامی غزه در رشته مطالعات عربی بود، از سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ خورشیدی) چند بار توسط رژیم صهیونیستی دستگیر شد، از فرصتی که در زندان داشت برای یادگرفتن زبان عبری، همچنین ترجمه به این زبان و از این زبان و شناخت بیشتر جامعه اسرائیل استفاده کرد.

خلیل الحیه، معاون رییس دفتر سیاسی جنبش حماس، جمعه بیست و هفتم مهر خبر شهادت یحیی سنوار، رییس دفتر سیاسی جنبش حماس توسط رژیم صهیونیستی در نوار غزه را تایید کرد.

صهیونیستها با انتشار فیلمی کوتاه که توسط پهپاد شناسایی منتشر شده است، آخرین لحظات زندگی یحیی سنوار را که زخمی شده بود؛ نشان می دهد، شهید سنوار در آخرین لحظات هم دست از مبارزه بر نمی دارد و تکه چوبی را که در کنارش بود به سمت پهپاد پرتاب می کند، تصاویر لحظات آخر زندگی رهبر حماس به عنوان نماد مبارزه و مقاومت بازتاب گسترده ای در میان کاربران فضای مجازی، فعالان رسانه

و مسلمانان و مردم منطقه داشته است.